

یادداشت

فرسودگی اجتماعی را دریابید

آقا داماده از صفحه اول

موقفیت آنها در رقابت‌ها، فقط از مسیر عقب‌کشیدن مردم از کنش سیاسی و اجتماعی و از ناامیدی مردم به دست می‌آید. اینها محصول آرای وجدان جمعی جامعه ایران نیستند بلکه صرفا محصول ناامیدی جمعی مردم ایران هستند. یک خصوصیت بارز این افراد آن است که در زمان داشتن قدرت اجرایی و بر سر کار بودن، چون توان اداره نه‌تنها کشور بلکه حتی یک مجموعه کوچک را هم ندارند، به‌شدت دچار بحران دستاورد می‌شوند. براساس مطالعات، افراد و جریان‌هایی که دچار بحران دستاورد می‌شوند، به‌سرعت سراغ ساختن دشمن فریبنده می‌روند. به یاد داریم در همین چند سال گذشته، چگونه با واژه‌سازی «مسئبن وضع موجود» دشمن‌سازی کردند. بخشی از بی‌تجربگی و ناکارآمدی خود را به دشمنان مفروض «مسبب وضع موجود» نسبت داده و بخشی را هم محصول توطئه دشمنان خواندند. در بحران دستاورد، وجود یک دشمن، برای توجیه ناکامی‌ها و ناکارآمدی‌ها ضروری است.

اقدام دیگری که این افراد در مواجهه با بحران دستاورد انجام می‌دهند، ساختن آمارهای غیرواقعی از به عبارت شفافتر، دروغ‌پردازی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و با اینترفند، آن‌چنان شرایط را مطلوب نشان می‌دهند که خود نیز در دام باور آن می‌افتند.

البته، نکته سومی هم در بحران دستاورد وجود دارد:

سیستم‌هایی که یکدست‌سازی همدستانه را دنبال می‌کنند در زمان مواجهه با بحران دستاورد به مرور دستخوش انتشاع‌های داخلی می‌شوند که در سه سال گذشته و همچنین در دوره‌های مشابه گذشته نیز شاهد انتشاعیات متعدد این افراد بوده‌ایم.

این‌گروه و جریان با ایجاد اندکی امید در مردم و مشارکت آنها در انتخابات، به پس رانده می‌شوند و این نقطه، آغاز حرکت‌های تخریبی از سوی آنان است.

نیک می‌دانستم که فضای ایجادشده پس از انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم، پایدار نیست و این افراد نعتها به وفاق اعتقادی ندارند بلکه وفاق را دشمن ایدئولوژیک خود می‌پندارند. اینها با وفاق دشمنی درینه دارند. این افراد باید به صورت مداوم خالص‌سازی کرده و ایرانیان را به گروه‌ها تقسیم کنند. حتی خود را نیز خالص‌سازی کرده و انشعاب به وجود می‌آورند.

جناب آقای یزیشکیان در این مدت که بر مسند ریاست‌جمهوری نشسته‌اید، به بسیاری از نارسایی‌های اقتصادی و لزوم سرمایه‌گذاری بیشتر پی برده‌اید. به فرسودگی‌ها و منفی شدن نرخ سرمایه‌گذاری در ایران به‌خوبی واقف شده‌اید. فرسودگی فرایک در کارخانه‌ها و مراکز تولیدی تا تکنولوژی‌ها و مراکز اقتصادی که به آن متکی هستند، به‌خصوص حوزه انرژی قابل مشاهده است. به یاد دارم در پایان دولت دوازدهم، بحث بر این بود که برای تولید بیشتر در سال‌های نه‌چندان دور، نیازمند حدود ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری فقط در حوزه انرژی به‌خصوص نفت و گاز هستیم.

شما به‌خوبی بر این امر واقف هستید که کنترل یک درصد تورم با این ساختارهای اقتصادی چقدر دشوار است. شما به‌درستی می‌دانید که برای ایجاد یک درصد رشد به چه میزان سرمایه‌گذاری نیاز است. اما من می‌خواهم از پدیده دیگری برای شما رونمایی کنم که شاید کمتر به آن پرداخته شده باشد و آن فرسودگی اجتماعی است. مردم ایران بسیار خسته‌اند. نسل‌های جدید نوعی عصیان را تجربه می‌کنند. ترمیم این فرسودگی احتمالی نیازمند بازسازی اجتماعی است. در اینجا نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی نیست هرچند معتقدم بخشی از ناامیدی ناشی از زیست درازمدت در شرایط تحریم است که آثاری مستقیم بر مسائل اجتماعی و سیاسی داخلی داشته است اما بازسازی اجتماعی و ایجاد امید برای آینده مسیری دشوار است که برای طی این مسیر با موانع بسیاری روبه‌رو خواهید شد.

آنهایک که امروز بر سر قانون عفاف و حجاب و مسائلی مثل فیلترینگ و FATF کماکان بر عقاید نادرست خود پافشاری می‌کنند مفهوم فرسودگی اجتماعی را نمی‌دانند و حتی اگر هم ناگزیر از فهم آن شوند باز هم حاله به دشمنی فرضی می‌کنند و همه را به جز خود و سیاست‌های خود مقصر می‌دانند.

دیدم در نقدهای خود از عدم رشد هشت درصد با شما سخن می‌گویند. حتی یک دانشجوی غیرارتی که با هوش و استعداد خود در رشته اقتصاد یا رشته‌های مرتبط در دانشگاه پذیرفته شده و چند واحد اقتصاد خرد و کلان و سیاست‌گذاری مالی را گذرانده باشد به‌خوبی می‌داند که یک درصد رشد به چه میزان سرمایه‌گذاری، هماهنگی‌های ساختاری، افزایش بهره‌وری، دستیابی به تکنولوژی‌های نوین و دانش روز (که در اختیار ما نیست) نیازمند است. اینها حتی مفهوم رشد را هم نمی‌فهمند! هرچند با اساس توسعه نیز مخالف هستند که جای بحث آن در این نامه نیست. به نظر من، این افراد چنان با توسعه مخالف‌اند که هم الزامات توسعه را دشمن فلسفه وجودی خود می‌دانند و هم نتایج توسعه را که باعث امید اجتماعی است، دشمن فرض می‌کنند.

این افراد مردم را روزبه‌روز بیشتر ناامید کرده‌اند و شرایطی را به وجود آورده‌اند که در آن، برای هرکسی که بخواهد در ایران تأثیرگذاری منفی داشته باشد زمینه فراهم شده است.

من قصد نیت‌خوانی ندارم، اما با اندیشیدن بسیار به این موضوع که اینها چگونه مسائلی به این وضوح از قبیل ضرورت‌های الزام رشد، یا روپحه و دیدگاه مردم و همچنین وضع اجتماعی را نمی‌بینند و نمی‌فهمند، به یک نتیجه رسیدیم: یک دسته از اینها واقعا افراد صادق هستند که در صداقت آنها تردیدی نیست و سطح اندیشه‌شان در این اندازه است.

دسته دیگر تلاش برای حضور ریاکارانه و ماندن در ساخت قدرت دارند. تجربه‌ای که از زیست دوگانه‌ای که در چند دهه اخیر آرام‌آرام در ایران شکل گرفته این افراد را هم درگیر خود کرده است. برای این افراد فرقی نمی‌کند؛ وقتی مردم ناامید شدند در دولت حضور می‌یابند، وقتی مردم قدری امیدوار می‌شوند و آن فرد سهم چندانی در دولت نمی‌یابند آن‌چنان نهادهای متعددی آنها را در دل خود جای می‌دهند که همواره بر سر کار می‌مانند و مردم را هم سر کار می‌گذارند!

اما در بین این افراد دسته سومی هم وجود دارد؛ که به نظر من نوعی تفکر یا فلسفه وجودی‌شان گره خورده است که این نوع تفکر را به یک ایدئولوژی تبدیل کرده‌اند و چنانچه مجال سخن از این‌گونه تفکر یا توجیه این نوع تفکر را نداشته باشند، فلسفه وجودی‌شان تهدید شده و از بین می‌رود. این افراد با گروه دوم متفاوت هستند. منظوم این است که اساسا کسب کشور و مسائل اقتصادی آن به سامانی برسد، اگر رابطه با خارج و FATF حل شود، اگر مردم امیدوار و بانشاط باشند، این گروه دیگر توجیهی برای حضور در مناصب قدرت ندارند. به تعبیر من، محملی که این افراد به نام انقلابیگری ساخته‌اند اساسا توجیهی برای فلسفه وجودی خودشان بیش نیست؛ با باورهای عمیق دینی و حتی دیدگاه‌های اصیل انقلابی و رضایت مردم هم سازگاری ندارد.

می‌خواهم بگویم بی‌تردید حضور، مقاومت و فعالیت‌های شما بیشترین خدمت به اسلام، دین خدا، اخلاق، انسانیت و ایران است. ایران نیازمند گذار از شرایطی رو به افول است. خسته نشوید آقای رئیس‌جمهور! بحران‌های بیشتری پیش‌روی شما خواهد بود.

شرق: «چرا برای برگزاری یک رویداد سینمایی با عمر و قدمتی ۴۳ساله، ساده‌ترین اصول طراحی در نظر گرفته نمی‌شود؟». جملاتی از این دست، بخشی از انتقادهایی است که بعد از رونمایی پوستر چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر، مطرح شد؛ طرحی که به دلیل طراحی روی تصویر اورجینال و جوان‌تر نشان‌دادن چهره رقیه چهره‌آزاد واکنش برانگیز شد. پوستری که از عکس عزیز ساعتی با ثبت چهره آشنا و مهربان رقیه چهره‌آزاد در فیلم ماندگار «مادر» ساخته علی حاتمی الهام گرفته شده و ابراهیم حقیقی، گرافیست پیش‌کسوت، آن را برای چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر طراحی کرده است؛ حقیقی که خود سال‌های دور، سیمرغ جشنواره فیلم فجر را طراحی کرد و این نماد برای همیشه شمایل بزرگ‌ترین رویداد سینمایی کشورمان شد.

در مقابل اما، پوستر این دوره جشنواره فیلم فجر موافقانی نیز دارد. استفاده از تصویری که برای بسیاری از ایرانی‌ها آشنا و خاطره‌انگیز است و البته وام‌گرفتن از ساخته کارگردان بزرگ و مانای کشورمان علی حاتمی، بخشی از تأکید موافقان پوستر جشنواره چهل‌وسوم است. برخی اشاره می‌کنند که استفاده از نمای یک فیلم به عنوان پوستر یک رویداد هنری در تمام دنیا مرسوم است و این برای سومین بار است که بعد از طراحی چهره خسرو شکیبایی و علی حاتمی، طرحی دیگر از چهره‌های مطرح سینماگران ایرانی به عنوان نماد دوره‌ای از جشنواره ثبت و ضبط می‌شود و اساسا چه امتیازی بهتر از این که بار دیگر از فیلم درخشان علی حاتمی یاد می‌شود.

سینمای ایران دیروز متولد نشده است

منوچهر شاهسواری، دبیر چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر، در آیین رونمایی پوستر، درباره دلیل انتخاب تصویری از فیلم سینمایی «مادر» به عنوان پوستر جشنواره چهل‌وسوم تأکید کرد: «همه ما در سنین مختلف احتمالا فیلم «مادر» را دیده‌ایم و در ذهن‌مان خاطره ساختیم. این خاطره در جشنواره چهل‌وسوم یک بار دیگر می‌خواهد زنده شود و تصویری که از خودش می‌خواهد بیرون ارائه بدهد. این است که ما هرچند در احترام به زنان و مادران این سرزمین کم گذاشته‌ایم، اما دل‌مان با آنهاست و کم‌گذاشتن ما را حتما خواهند بخشید. سینمای ایران نباید یادش برود که بزرگ‌تر و سابقه دارد. خاطره دارد. سینمای ایران دیروز متولد نشده. فرهنگ و هنر ایران هم دیروز متولد نشده است. سابقه، تاریخ و عمق دارد و تعمیق این فرایند وظیفه تک‌تک ماست.»

جشنواره‌ای که با نگاه به گذشته رو به آینده حرکت می‌کند

راند فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی، در گفت‌وگو با «شرق» به استفاده از چهره یک سینماگر در طراحی پوستر جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر اشاره کرد و افزود: «وقتی با چنین پوستری با چهره زنده‌یاد رقیه چهره‌آزاد در فیلم «مادر» روبه‌رو شدیم، یاد خاطرات گذشته افتادم و خاطرات شیرینی برایم زنده شد. این فیلم و تصویر تداعی‌کننده مفهوم مادر است و همان‌طور که زمان رونمایی از پوستر در چشمان آقای شاهسواری غم و بغض را می‌دیدیم، فکر می‌کنم در چشمان و در دل‌های ما این بغض شکل گرفت.»

او ادامه داد: «یاد ایامی که زنده‌یاد حاتمی حضور داشتند و فیلم می‌ساختند بخیر. آثاری که در آنها اصالت، فرهیختگی و فرهنگ موج می‌زد و لازم است که یاد آثار این سینماگر فرهیخته زنده نگه داشته شود. جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر با نگاه به آن اصالت و گذشته خودش، قطعا رو به آینده حرکت می‌کند. حضور جوانان پرشور و بااستعداد در جشنواره امسال، نویدبخش این است که مادر ما، میهن ما، وطن ما حتما روزهای درخشانی را پیش‌رو خواهد داشت.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش با تأکید بر زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره علی حاتمی

نگاهی به حواشی این روزهای چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر

شمایلی که احساسات مختلفی را برانگیخته کرد



و فیلم «مادر» درباره احساسش نسبت به این اثر سینمایی گفت: «فیلم مادر یکی از آثار مورد علاقه من است. در دوران نوجوانی هر بار که فیلم را می‌دیدم، حس خوبی به آن داشتم و همچنان با دیدن این فیلم بغض می‌کنم، اما دل‌گرمی بزرگی است از اینکه اصالت، تاریخ و فرهنگ در این فیلم موج می‌زند. این فیلم یادآوری می‌کند که در کجا زیست می‌کنیم و از این جهت حتما باید شکرگزار خداوند باشیم که این قطعه از زمین را برای ما در نظر گرفته است که فرزندان مام وطن باشیم.»

این هفتمین دوره‌ای است که ابراهیم حقیقی طراحی پوستر جشنواره فیلم فجر را برعهده گرفته است. تاکنون طراحانی همچون صادق برزانی، محمدرضا دادگر، مسعود دشتبان، علی وزیریان، مرثض میوز، حسین خسروچردی، رضا عابدینی، مهدی محمدی، مسعود ترقی‌جابه، محمد فیلی‌زاده، سیامک فیلی‌زاده، اسداله یوسی، وحید تقی‌پور، محسن سیدیوسفی، بهزاد خورشیدی، میرندا انصاری، الهام عیوضی، حمیدرضا بیدقی، سیدحمید شریفی آل‌هاشم، مسعود نجابتی، بیژن جناب، مهدی سعیدی، طاها ذاکر و مجید بزرگ طراحی پوستر ادوار مختلف جشنواره فیلم فجر را برعهده داشته‌اند.

منصور ضابطیان: گاهی خوشحال می‌شوم «رادیو هفت» دیگر نیست

با آنها گفت‌وگو کرده‌ام ندارند؟ وقتی اجرای این برنامه به من پیشنهاد شد، تلفن را جواب دادم که بگویم نه! بعدتر که فهرست صفحات این بچه‌ها را برای من فرستادند و کانال‌هایشان را در یوتیوب و آپارات دنبال کردم، متوجه شدم اتفاقا اینها استارهای دوران مدرن هستند و من چرا باید همچنان به دنبال گفت‌وگو با استارهای دنیای قدیم باشم؟ اینها بچه‌ها و جوان‌هایی هستند که برخی از آنها شاید حتی من را هم نشناسند و اطلاعی هم از سابقه من ندارند، اما خودشان استاز هستند. از این جهت، کوبی اجرای این برنامه برای خود من تبدیل به یک کلاس درس شد و من بدمم که از این بچه‌ها یاد می‌گرفتم که چگونه مشغول فعالیت و تولید محتوا در این فضای جدید هستند.»

ضابطیان با تأکید بر اینکه اجرای «آپارات کست» اندوخته‌های زیادی برایش به همراه داشته، گفت: «بعضی از این بچه‌ها من را با جهان دیگری مواجه کردند، جهانی که با جهان ما در برنامه‌سازی کلاسیک، فاصله بسیار زیادی دارد و خوشحالم که این جهان را در کنار آنها شناختم. این استارها، حتی مانند چهره‌هایی که در «رادیو هفت» معرفی شدند، نیاز به کشف هم ندارند؛ اینها خودشان خودشان را کشف کرده‌اند و نیازی ندارند کس دیگری آنها را کشف کند. تکنولوژی این امکان را به آنها داده که توقف نکنند و تولید دیگران نمانند. به خیلی یادگار امروز می‌گویم اگر علاقه به گویندگی و اجرا دارید، بروید و یادگست‌ها و برنامه‌های ویدئویی خودتان را بسازید و منتظر نمانید. بالاخره یک جایی دیده می‌شوید. این شانس بزرگی است که عصر مدرن به انسان‌ها داده است. در دوران ما، جراه‌ای جز انتظار برای کار در تلویزیون و رادیو نبود امروز اما بچه‌های با فضای بازی به نام فضای مجازی برای کسب تجربه مواجه هستند که برای ما غیبه‌برانگیز است. خود من امروز یادگست‌های پرخطابی تولید می‌کنم و کانالی که در فضای مجازی دارم، این امکان را به من داده است تا خیلی راحت‌تر درباره آنچه به آن فکر می‌کنم صحبت کنم و آرشپوی از تجربه‌هایم در سفرهای که می‌روم را در آن ذخیره کنم. تلویزیون این امکان را نداشت. اوایل که وارد اجرا در فضای مجازی شده بودم، هنوز برخی از خطوط قرمز تلویزیون را که برایم درونی شده بود مد نظر داشتم. اما آرام‌آرام دیدم می‌توان با رعایت خطوط قرمز اخلاقی و ادبی، رهاتر باشم.»

او ادامه داد: «شخصا هیچ‌گاه دنبال حاشیه‌سازی نبوده‌ام و به خیلی از مسائل، خودم دامن نزده‌ام. به همین دلیل هم در فضای مجازی به سمت تولید محتواهای زرد رفته و نخواهم رفت. خیلی از آدم‌ها برای حضور در ویتزین‌ها تلاش می‌کنند و منتظر شرایطی هستند که به آرامشی که می‌خواهند برسند، من اما احساس می‌کنم همین امروز به این آرامش رسیده‌ام، پس چرا باید دست‌وپا بزنم تا در ویتزین باشم؟ می‌توان بسا سروصدا و درآمد کمتر هم زندگی کرد؛ چراکه از آرامشی که به آن رسیده‌ام، صحبت کنم که سستی با چهره‌هایی که در تمام این سال‌ها

خبربرگزیده

قدیمی‌های باغ فردوس به‌موزه سینما برگشتند

مهز نخستین برنامه «شب‌های باغ فردوس» موزه سینما با همکاری انجمن دانش‌آموختگان مرکز اسلامی باغ فردوس با نمایش و نقد و بررسی فیلم «ارغوان»، ساخته کیوان علی‌محمدی و امید بنگدار، آغاز شد.

محمدرضا فهمیری که اجرای نشست را برعهده داشت، گفت: این برنامه اولین شب نمایش فیلم‌های دانش‌آموختگان مرکز آموزش اسلامی فیلم‌سازی باغ فردوس است. این مرکز در دهه ۶۰ و ۷۰ مهم‌ترین مدرسه سینمایی ایران بود و آموزش آن برمنای کار عملی طراحی شد و به هنرجویان، مهارت‌های سینمایی را می‌آموخت.

او ادامه داد: در طول بیش از یک دهه فعالیت این مجموعه، ۴۰۰ فارغ‌التحصیل این مرکز از جمله کیوان علی‌محمدی، امید بنگدار، پارسا پیروزفر، مینو فرشچی و ارد عطارپور در بخش‌های مختلف سینما مشغول به کار شدند که هریک از آنها افراد برجسته‌ای هستند.

در ادامه، کیوان علی‌محمدی، کارگردان «ارغوان»، گفت: من از زمانی که به سینما علاقه‌مند شدم، به باغ فردوس آمدم و اولین اسنادی که در این مجموعه روی من اثر گذاشت، احمد الستی بود که عاشقانه درباره سینما صحبت می‌کردند. دومین اساد که دستیار او شدم، محمدرضا اصلانی بود و نفر سوم زنده‌یاد مرتضی پورصمدی که موارد بسیاری را در زندگی از او آموختم.

علی‌محمدی ادامه داد: عمارت باغ فردوس برای من بسیار خاطره‌انگیز است و مسیر زندگی بسیاری از افراد را تغییر داده است. البته این جلسه را به روح آقای پورصمدی و سپهد شهید نادر جهانپانی و تیمسار ضرابی تقدیم می‌کنم.

او در ادامه گفت: یکی از اتفاق‌های تلخ در سینمای ایران این است که طبقه متوسط تبدیل به طبقه فرودست شده است و در این طبقه با افرادی مواجه هستیم که با همه سختی‌ها ممکن است برای حال خوب خود تلاش کند، آدم‌هایی که دارای دغدغه‌های متفاوتی هستند.

این کارگردان با بیان اینکه فیلم‌های ما اگر درباره فقر هم باشند، تلاش می‌کنیم تا آن را برمبنای نوعی زیبایی‌شناسی پی‌ریزی کنیم، افزود: هرکدام از فیلم‌ها برای ما با چالش‌هایی همراه بوده است و برای هریک بسیار جنگیده‌ایم. ساختار فیلم ما را به این سمت می‌برد که چگونه باید آن را روایت کرد و آیا نیاز به لانگ‌شات وجود دارد یا خیر. من برای نشان‌دادن جغرافیا در این فیلم احساس نیاز نکردم؛ چراکه این فیلم می‌تواند در هرکجای دنیا رخ دهد و جغرافیا در آن مسئله اصلی نیست.

در ادامه، علی‌اکبر حیدری، نویسنده فیلم، گفت: من در اوایل دهه ۸۰ مشغول نگارش فیلم‌نامه شدم و برای تولید آنها به دفاتری مراجعه کردم و فهمیدم آدم نوشتن فیلم‌نامه نیستم و به داستان‌نویسی روی آوردم. در کتاب «بوی غیر داغ» داستانی تحت عنوان «ممکن است خیلی‌ها برای مردنشان گریه کرده باشند» وجود دارد که مبنای ساخت فیلم «ارغوان» شد. من امید بنگدار را در خانه آقای چهلتن دیدم و ایشان از داستان‌های من خوشش آمد و همین ماجرا سرآغاز آشنایی من با کیوان و امید شد و در نتیجه دوباره داستان من و سینما با هم گره خورد.

در ادامه، سحر عصرآزاد، منتقد سینما، نیز گفت: مهم است که فیلم‌ها و سینمای ایران را در دهه‌های مختلف بررسی کنیم تا بتوانیم وضعیت امروز آن را بیشتر درک کنیم. آشنایی من با سینمای کیوان علی‌محمدی و امید بنگدار به اوایل دهه ۸۰ بازمی‌گردد. در فیلم‌های مستند، کوتاه و بعد داستانی این افراد در مقطعی که در جست‌وجوی کشف چهره‌های تازه در سینمای ایران بودند، فیلم‌های این دو برای من جذاب به نظر رسید؛ چراکه به جریان روز که مخاطب با آن آشناست، بی‌توجه بودند و وجهی تجربه‌گرا از خود بروز دادند و بخش تکنیکی را متناصب با درام خود به تجربه‌هایی تازه تبدیل کردند.

او ادامه داد: در آثار این دو فیلم‌ساز فضای شاعرانه، عاشقانه و زبان سینمایی به مخاطب چیزی بیشتر از قصه ارائه می‌دهد و چندین بار دیدن آثار این دو برای من شامل‌کننده تجربه‌های تازه است. همچنین نباید حضور آقای پورصمدی را به عنوان فیلم‌بردار در طراحی میزاسنن و تعاملی که با این دو فیلم‌ساز داشتند، نادیده گرفت.